

بررسی اعتبار کتاب اخبار الزینبات

سیدحسن فاطمی

اخبار الزینبات، یحیی بن حسن بن جعفر معروف به عبیدلی و عقیقی (۲۱۴ - ۲۷۷ق)، به کوشش محمدجواد مرعشی نجفی.

همواره شامیها و مصریها در اینکه حضرت زینب کبرا(س) در سرزمین آنها مدفون است، با هم اختلاف نظر داشته‌اند و هرکدام با تمسک به ادله‌ای، در پی اثبات مدعای خود بوده‌اند و متأسفانه بر خلاف اخلاق نویسندگی، گاه مطالب خلاف واقع نیز نوشته‌اند.^۱ به عنوان نمونه هردو طرف مدعی‌اند که ابن عساکر در کتاب تاریخ مدینه دمشق، مزار زینب کبرا را در سرزمین آنها تعیین کرده است؛ مثلاً سیدحسن محمدقاسم مصری ادعا می‌کند که ابن عساکر در تاریخ مدینه دمشق، مزار زینب کبرا(س) را در مصر ضبط کرده.^۲ اما محمد حسنین سابقی که اصرار دارد ثابت کند مرقد آن حضرت در دمشق است، مدعی شده که در همین کتاب مرقد زینب کبرا(س) در دمشق ثبت شده، اما کُتبه آن حضرت، یعنی «ام کلثوم» را نوشته است.^۳

این در حالی است که ابن عساکر اصلاً متعرض مزار آن حضرت نشده است. به هر حال مستندات هیچ طرف را بدون مراجعه به منابع مورد ادعا نمی‌توان پذیرفت.^۴

یکی از کتابهایی که مصریها برای اثبات مدعای خود به آن تمسک جسته‌اند، کتاب اخبار الزینبات، منسوب به عبیدلی نسابه معروف است. انتشار این کتاب سبب شد که بعضی از صاحب‌نظران غیرمصری هم بر این باور شوند که آن حضرت در مصر مدفون است.^۵ حتی مطالب تاریخی دیگر آن هم به بعضی از کتابها راه پیدا کرد و هم‌اکنون به صورت یکی از منابع تحقیق در آمده است.

موسوعة امام حسین(ع) در دارالحدیث در حال تدوین است. بررسی مدفن حضرت زینب(س) به اینجانب واگذار شد. یکی از منابعی که مورد توجه و بررسی نگارنده قرار گرفت کتاب اخبار الزینبات بود.

پس از بررسی آن از زوایای گوناگون، غیر قابل اعتماد بودن انتساب آن به عیبدلی برای اینجانب به اثبات رسید. در واقع این مقاله، گزارش اینجانب به دست‌اندرکاران موسوعه امام حسین(ع) است.

اخبار الزینبات در یک نگاه

این کتاب کم‌حجم به معرفی آن عده از زنان اهل بیت و اصحاب پرداخته که نام آنان زینب است. سند کتاب بدین گونه است: محمد بن سلیمان از ابوطالب جعفر نقیب از ابوالفتح سلمانی از ابومحمد حسن و مهنا بن سبیب قرشی و آنها از محمد بن یحیی بن حسن از پدرش عیبدلی. زنان معرفی شده، به ترتیبی که در کتاب آمده عبارت‌اند از:

زینب بنت نبی(ص)؛ زینب بنت جحش؛ زینب بنت عقیل بن ابی‌طالب؛ زینب کبرا بنت علی بن ابی‌طالب(ع)؛ زینب وسطی بنت علی بن ابی‌طالب(ع)؛ زینب صفرا بنت علی بن ابی‌طالب(ع)؛ زینب بنت حسن بن علی بن ابی‌طالب(ع)؛ زینب بنت علی زین‌العابدین(ع)؛ زینب بنت عبدالله کامل بن حسن مثنی بن امام حسن(ع)؛ زینب بنت خزیمه بن حارث بن عبدالله؛ زینب بنت یحیی بن حسن بن زید بن امام حسن(ع)؛ زینب بنت عیسی بن زید بن علی بن امام حسین(ع)؛ زینب بنت موسی الجون بن عبدالله کامل بن حسن بن امام حسن(ع)؛ زینب بنت حسن مثنی بن امام حسن(ع)؛ زینب بنت قاسم طیب بن محمد مأمون بن امام جعفر صادق(ع)؛ زینب بنت موسی کاظم(ع)؛ زینب بنت محمد باقر(ع)؛ زینب بنت احمد بن محمد بن عبدالله بن جعفر بن محمد بن علی بن ابی‌طالب(ع)؛^۶ زینب بنت قاسم بن حسن بن زید بن امام حسن(ع)؛ زینب بنت عثمان بن مظعون بن حبیب بن وهب؛ زینب بنت مظعون بن حبیب بن وهب؛ زینب بنت عمر بن خطاب؛ زینب بنت صفی بن صخر بن خنساء؛ زینب بنت حباب بن حارث بن عمرو؛ زینب بنت ابی‌سلمه بن عبدالاسد بن هلال؛ زینب بنت مهاجر احمسیه؛ زینب بنت یوسف بن حکم بن ابی‌عقیل؛ زینب بنت نبیط بن جابر بن مالک؛ زینب بنت کعب بن عمیره؛ زینب همسر قیس بن ابی‌حازم؛ زینب بنت حارث خواهر اسماء بنت عمیس؛ زینب بنت عمر بن ابی‌سلمه مخزومی؛ زینب بنت حارث بن خالد بن صخر؛ زینب بنت زبیر بن عوام بن خویلد.

بنا به نوشته سیدحسن محمدقاسم مصری^۷ (۱۳۱۸-۱۳۵۵ق) یکی از دوستان او که ساکن شام بوده رساله‌ای خطی با عنوان اخبار الزینبات را در حلب می‌یابد و برای او می‌فرستد. حسن محمد قاسم نیز، متن کامل آن را در کتاب سیده زینب می‌آورد.^۸ بنابراین، اخبار الزینبات اولین بار در سال ۱۳۳۳ق چاپ شد.^۹ وی مدعی است کتابت آن مربوط به سال ۶۷۶ق است و آن از روی نسخه مربوط به سال ۴۸۳ق استنساخ شده است.

سید محمدجواد مرعشی نجفی *اخبار الزینبات* را از کتاب *سیده زینب*، برگرفته و جداگانه و با مقدمه آیت‌الله سیدشهاب‌الدین مرعشی‌نجفی به چاپ رساند و این بررسی به استناد این نسخه صورت پذیرفته است.^{۱۰}

یحیی بن حسن بن جعفر عبیدلی

یحیی بن حسن بن جعفر بن عبیدالله اعرج بن حسین اصغر بن امام زین العابدین (ع) معروف به عبیدلی و عقیقی (۲۱۴-۲۷۷ق) نخستین کسی است که در انساب کتاب نوشت. شیخ صدوق در آثارش و نیز ابوالفرج اصفهانی در *مقاتل الطالبیین*، روایات فراوانی از او آورده‌اند. همچنین در کتابهای متعدد کهن دیگر نیز روایاتی از او به چشم می‌خورد.

شرح حال مختصر او در منابع متعدد از قدیم و جدید آمده و به این آثار او اشاره کرده‌اند: کتابی در نسب،^{۱۱} *کتاب المسجد*، *کتاب المناسک*.^{۱۲}

به چهار نفر دسترسی پیدا کردیم که بی واسطه از او روایت می‌کنند: نوه او ابومحمد حسن بن محمد بن یحیی بن حسن، احمد بن محمد بن سعید بن عقده؛^{۱۳} ابوالقاسم جعفر بن محمد بن ابراهیم علوی و حرب بن حسن طحان.

آن عده از مشایخ او که به آنها دسترسی پیدا نشد، غیر از آنچه در *اخبار الزینبات* آمده، به ترتیب الفبا عبارت‌اند از:

ابراهیم بن علی بن عبیدالله بن محمد بن عمر بن علی بن ابی‌طالب (ع)؛ ابراهیم بن محمد بن یوسف فریابی مقدسی ابواسحاق؛ ابراهیم بن یحیی بن عباد سجزی؛ احمد بن ابی‌بکر زهری ابومصعب؛ احمد بن سلام؛ احمد بن صالح تمیمی؛ احمد بن عبدالله بن موسی؛ احمد بن عثمان؛ احمد بن محمد بن یحیی؛ احمد بن یحیی اودی؛ احمد بن یزید ابوبرید؛ ادريس بن محمد بن یحیی بن عبدالله بن حسن بن حسن؛ اسحاق بن ابراهیم صنعانی؛ اسحاق بن موسی؛ اسماعیل بن ابراهیم؛ اسماعیل بن محمد ابومحمد؛ اسماعیل بن موسی؛ اسماعیل بن یعقوب؛ ابن ابی‌بزه؛ بکار بن احمد ازدی ابوالحسن؛ بکر بن عبدالوهاب بن محمد بن ولید مدنی؛ حسن بن یحیی بن حسین بن زید؛ حسین بن حرث بن الحسن بن ثابت الخزاعی؛ حسین بن حسین لؤلئی؛ حسین بن محمد بن طالب ابوعلی؛ داود بن قاسم جعفری؛ داود بن مبارک؛ دعبل بن علی؛ ذوب مولاة زینب بنت عبدالله بن الحسن؛ زبیر بن ابی‌بکر؛ زید بن حسن علوی؛ سعید بن نوح؛ سلمة بن شیب؛ عباس بن عبدالله بن عباس اسدی؛ عبدالجبار بن سعید بن سلیمان بن مساحقی؛ ابوعبدالحمید لیثی؛ عبدالله بن حسین بن زید؛ عبدالله (یا عبیدالله) بن عبیدالله طلحی؛ عبدالله بن محمد بن سلیمان بن عبدالله بن حسن؛ عبیدالله بن حمزه؛ عبیدالله بن محمد بن عمر؛ عقیل بن سمیر؛ علی بن ابراهیم بن

الحسن؛ علی بن احمد باهلی؛ علی بن بکر بن احمد باهلی ابوالحسن؛ عمار بن ابان؛ عیسی بن عبدالله بن محمد بن عمر بن علی؛ غسان بن ابی غسان مولی بنی لیث؛ غسان بن ابی غسان مولی از بنی لیث؛ غسان بن عبدالحمید؛ لوط بن یحیی ابومخنف؛ مالک بن یزید جعفری؛ ابومحمد انصاری؛ محمد بن میمون خزاز؛ محمد بن ابراهیم تمیمی؛ محمد بن احمد ابویونس؛ محمد بن احمد منصور؛ محمد بن قاسم؛ محمد بن جعفر؛ محمد بن علی؛ محمد بن میمون خزاز؛ محمد بن یحیی؛ محمد بن یزید ادمی؛ مسلم بن عمرو بن مسلم بن وهب حذاء ابوعمر و مدینی؛ ابوموسی عباسی؛ موسی بن داود سلمی؛ موسی بن سلمه؛ موسی بن عبدالله بن موسی؛ میمون بن اصغ بن فرات نصیبی ابوجعفر؛ هارون بن سلیمان؛ هارون بن موسی فروی؛ هاشمیه مولاة رقیة بنت موسی؛ یحیی بن مساور و یعقوب بن زید (یا یعقوب بن یزید).

مشایخ عبیدلی در اخبار الزینبات به ترتیب القبا عبارت‌اند از:

ابراهیم بن محمد حریری؛ اسماعیل بن محمد بصری؛ جعفر بن عبیدالله اعرج (جد عبیدلی)؛ حسن بن جعفر بن عبیدالله اعرج (بدر عبیدلی)؛ حسین بن جعفر (عموی عبیدلی)؛ حسین بن محمد بن یحیی عثمانی ابوجعفر؛ زبیر بن ابی بکر؛ زهران بن مالک؛ ابوعبدالله تمیمی؛ عبیدالله بن ابی القاسم محمد بن عمر بن علی بن ابی طالب (ع)؛ محمد بن قاسم؛ موسی بن عبدالرحمان و موسی بن عبدالله.

دلایل و مؤیدات

انتساب اخبار الزینبات به عبیدلی پذیرفته نیست، و ظاهراً توسط کسانی ساخته شده که خواسته‌اند مزار زینب کبریا (س) را در مصر نشان دهند. بعضی از مواردی که برای نشان دادن ساختگی بودن اخبار الزینبات، ذکر می‌کنیم. به عنوان دلیل، قابل طرحند و بعضی در این سطح نیستند، بلکه ذکر آنها به عنوان مؤید مدعای ماست:

الف) عدم ذکر اخبار الزینبات جزء آثار عبیدلی

عبیدلی راوی و نسابه معروفی است که شرح حال او در منابع کهن، فراوان آمده است و هیچ کدام نه اسم از این کتاب برده‌اند و نگفته‌اند که او کتابی در معرفی زینبها نوشته است. با توجه به اینکه ضامن بن شدقم (قرن یازدهم) از نوادگان عبیدلی است، در ثبت شرح حال وی دقت بیشتری کرده است. ابن شدقم نیز در تحفه لب اللباب، نامی از این کتاب نبرده است.

اما از سال ۱۳۳۳ق که این رساله چاپ شد، نام آن در کتابها به عنوان اثری از عبیدلی ثبت گردید.

ب) یافت نشدن برخی مشایخ عبیدلی در منابع دیگر

اسامی مشایخ عبیدلی از اخبار الزینبات و دیگر منابع گذشت. اسامی زیر به عنوان مشایخ عبیدلی در این رساله ذکر شده است، اما در منابع دیگر یافت نشد.

ابراهیم بن محمد الحریری؛ جعفر بن عبیدالله اعرج (جد عبیدلی)، حسن بن جعفر بن عبیدالله اعرج (پدر عبیدلی)؛ حسین بن جعفر (عموی عبیدلی)؛ حسین بن محمد بن یحیی عثمانی ابوجعفر؛ زهران بن مالک و موسی بن عبدالرحمان.

ج) یافت نشدن نام برخی راویان در منابع رجالی و روایی

نامهایی در زنجیره اسناد/اخبار الزینبات آمده که در منابع رجالی و روایی نیامده است. البته اسمهایی جست و جو شد که قابل حمل بر افراد متعدد نباشند؛ مثلاً در سند اولین خبر آمده است: «حدثنا ابوعبدالله التمیمی قال: نا نعیم عن جمال.» این کنیه و نامها بر افراد متعدّد اطلاق شده‌اند و به درستی معلوم نشد اینها چه کسانی هستند. نامهایی که در منابع رجالی و روایی نیامده عبارت‌اند از: حمزه مکفوف، ابوعبدالحق بن عاصم، مهنا بن سبیح قرشی، حسن بن جعفر بن عبیدالله اعرج.

د) یافت نشدن نام برخی راویان در هیچ کتابی

نامهایی در زنجیره اسناد/اخبار الزینبات قرار دارند که نه تنها نام آنها در منابع رجالی و روایی نیامده، بلکه در هیچ کتابی یافت نشدند:

ابراهیم بن عبدالله نحام بن اسد بن عبید بن عولج بن عدی بن عمر بن خطاب؛ رقیه بنت عقبه بن نافع فهری؛ زهران بن مالک؛ عبدالصمد بن حسان سعدی؛ عبدالله بن عبدالرحمان عتبی؛ موسی بن عبدالله بن محمد بن عمر بن علی بن ابی طالب (ع)؛ هند بنت ابی‌رافع بن عبیدالله بن رقیه و وهب بن سعید اوسی.

ه) قابل قبول نبودن مضمون بعضی اخبار

در اخبار الزینبات مسلمة بن مخلد (م ۲۶ق) به عنوان شخصی دوست‌دار اهل بیت و استقبال‌کننده از زینب کبرا در مصر معرفی شده است، به گونه‌ای که آن حضرت را نزدیک یک سال در خانه‌اش جا داد و پس از درگذشت حضرت، بر او نماز خواند و او را در خانه‌اش دفن کرد. در این رساله می‌خوانیم:

و بالسند المرفوع إلى رقیة بنت عقبه بن نافع الفهري قالت: كنت فيمن استقبل زینب بنت علی لما قدمت مصر بعد المصيبة. فتقدم إليها مسلمة بن مخلد و عبدالله بن الحارث و أبوعميرة المزني فعاها مسلمة و بکی فبکت و بکی الحاضرون. و قالت: هذا ما وعد الرحمن و صدق المرسلون. ثم احتملها إلى داره بالحمراء. فأقامت به أحد عشر شهراً و خمسة عشر يوماً و توفيت و شهدت جنازتها و صلی علیها مسلمة بن مخلد فی جمع بالجامع و رجعوا بها فدفنوها بالحمراء بمخدعها من الدار بوصيتها.

حدثني اسماعيل بن محمد البصري - عابد مصر و نزيلها - قال: حدثني حمزة المكفوف قال: أخبرني الشريف أبو عبدالله القرشي قال: سمعت هند بنت ابی‌رافع بن عبیدالله بن رقیه بنت عقبه بن نافع الفهري تقول:

توفیت زینب بنت علی عشیة یوم الأحد لخمسة عشر يوماً مضت من رجب سنة ۶۲ من الهجرة و شهدت جنازتها و دفنت بمخدعها بدار مسلمة المستجدة بالحمراء القصوی حیث بساتین عبدالله بن عبدالرحمن ابن عوف الزهری.^{۱۴}

رقیه دختر عقبه گوید: در میان استقبال کنندگان از زینب دختر علی هنگام ورود او به مصر بعد از مصیبت بودم. مسلمة بن مخلد و عبدالله بن حارث و ابوعمیره مزنی نزد او رفتند و مسلمة به او تسلیت گفت و هردو و حاضران گریستند. سپس حضرت زینب(س) این آیه را تلاوت فرمود: ﴿هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَ صَدَقَ الْمُرْسَلُونَ﴾^{۱۵}

مسلمة او را به خانه‌اش در حمراء برد و آن حضرت پس از اقامت در آنجا به مدت یازده ماه و پانزده روز، از دنیا رفت. من بر جنازه او حاضر بودم و مسلمة در میان عده‌ای در مسجد جامع بر او نماز خواند و بعد او را بازگرداندند و طبق وصیتش در همان خانه دفن کردند.

هند دختر ابورافع گوید: زینب دختر علی شب یکشنبه پانزدهم رجب سال ۶۲ هجری در گذشت و من در تشییع جنازه او حاضر بودم که در خانه مسلمة در حمراء قصوی همان جایی که باغهای عبدالله بن عبدالرحمان زهری است، دفن کردند.

این در حالی است که مسلمة در زمره دشمنان امیرمؤمنان(ع) بود.^{۱۶} در زمان حکومت معاویه از سوی او و پس از او از سوی یزید والی مصر شد.^{۱۷} معاویه در نامه‌ای او را به خونخواهی عثمان دعوت کرد و او هم دعوت معاویه را اجابت کرد.^{۱۸} مسلمة کسی است که پس از مرگ معاویه برای یزید در مصر بیعت گرفت.^{۱۹}

با توجه به سابقه مسلمة بن مخلد و اینکه او در زمان ورود زینب کبرا به مصر - به فرض صحت آن - از سوی یزید والی مصر بود، چگونه ممکن است از آن حضرت به گونه‌ای پذیرایی کند که به مدت یک سال او را در خانه‌اش نگاه‌داری کند و حضرت هم بپذیرد و سپس وصیت کند که او را در خانه او دفن کنند؟! از اینها گذشته مسلمة از افراد برجسته است و شرح حال او در منابع ثبت شده است و سکونت یک ساله شخصیتی مثل زینب کبرا در خانه او امر مهمی است که اگر اتفاق می‌افتاد عادتاً ثبت می‌شد در حالی که چنین نیست. به عنوان نمونه در *النجوم الزاهرة*،^{۲۰} شرح حال مفصل مسلمة آمده، اما اشاره‌ای به قضیه استقبال او از زینب کبرا در آن نیست. همچنین این اتفاق از دید نویسندگان شرح حال زینب کبرا، دور نمی‌ماند.

در صفحه ۱۲۵ می‌خوانیم که عمر بن خطاب دختری به نام رقیه از ام‌کلتوم دختر حضرت زهرا(س) داشته که با ابراهیم بن عبدالله نحام بن اسد بن عبید بن عولج بن عدی بن عمر بن خطاب ازدواج کرد. قابل ذکر است که:

اولاً، شخصی به نام ابراهیم بن عبدالله نحام در کتابی نیامده است.

ثانیاً، عمر فرزندی به نام عدی نداشته است تا ابراهیم از نوادگان او باشد.^{۲۱}

ثالثاً، چگونه ممکن است نوه حضرت زهرا(س) بتواند با شخصی ازدواج کند که عمر جد پنجم او است و عادتاً بایستی حیات او حدود ۱۵۰ سال بعد بوده باشد.

رابعاً، بنا بر فرض که، این نامها درست باشد، رقیه با ابراهیم محرم است؛ زیرا عمهٔ جدسوم ابراهیم خواهد بود. خامساً، بنا به نوشتهٔ محمد بن سعد در طبقات کبری، نام همسر رقیه و اجداد او چنین است: ابراهیم بن نعیم النحام بن عبدالله بن اسید بن عبد بن عوف بن عبید بن عویج بن عدی بن کعب.^{۲۲} به هر حال چنین اشتباه بزرگی از سوی نسابه‌ای مثل عبیدلی بسیار بعید است.

(و) مخفی ماندن مزار زینب از دیگر معاصران عبیدلی

محمد بن ربیع جیزی، پدرش از اصحاب امام شافعی (م ۲۰۴ق) بوده است. او کتابی داشته که در آن، نام حدود صد و پنجاه صحابی را که وارد مصر شدند، آورده است. سیوطی تمام آن اسامی را در *حسن المحاضرة فی تاریخ مصر و القاهرة*، ذکر کرده و با تحقیقی که خود نیز انجام داده، تعداد آنها را به سیصد تن رسانده است. در میان آنها نامی از حضرت زینب نیامده است.^{۲۳} اگر چنین بود، نام آن حضرت در صدر واردین به مصر قرار می‌گرفت. بر اساس تحقیق گسترده‌ای که صورت پذیرفت چنین خبری چندین قرن پس از عبیدلی در منابع تاریخی ثبت نگردید. چه شد که حتی خلفای فاطمی نیز از این امر باخبر نشدند و به مرقد حضرت توجه نکردند؟!

نه تنها مورخان، وجود مرقد زینب کبرا در مصر را ضبط نکردند، بلکه به عدم ورود فرزندان بلافصل امام علی(ع) به مصر اذعان کرده‌اند:

- نورالدین علی بن احمد سخاوی که ابن زیات(م ۸۱۴ق) از مشایخ اوست، می‌نویسد:
 قیل: إنها (سکینه بنت زین العابدین بن الحسین بن علی) أول علویة قدمت إلی مصر.^{۲۴}
 گفته شده: سکینه دختر امام زین العابدین(ع) نخستین زن علوی است که وارد مصر شد.

علی مبارک پاشا نیز از سخاوی چنین نقل می‌کند:
 إن المنقول عن السلف إنه لم یمت أحد من أولاد الإمام علی لصلبه بمصر.^{۲۵}

از پیشینیان نقل شده که احدی از فرزندان بی‌واسطه امام علی(ع) در مصر از دنیا نرفته است. اگر مزار زینب کبرا در زمان تدوین این کتاب در مصر بود، سخاوی چنین قولی را رد می‌کرد. ظاهراً در زمان تدوین این کتاب هنوز مزار معروف در مصر را به زینب کبرا نسبت نداده بودند و آلا در این‌باره توضیحی ارائه می‌کرد.

- ابن دقماق(م ۷۹۲ق) و مقریزی(م ۸۴۵ق) نخستین علوی را که وارد مصر شد، محمد بن علی بن محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی بن ابی‌طالب، دانسته‌اند که در سال ۱۴۵ق و در زمان حکومت یزید بن حاتم مهلبی بوده است.^{۲۶}

- شمس‌الدین محمد بن ناصرالدین مصری(م ۸۱۴ق) معروف به ابن زیات از حسن بن ابراهیم زولاق(م ۳۸۷ق) نقل می‌کند:

إن أول من دخل مصر من ولد علی - کرم‌الله وجهه - سکینه بنت الحسین بن علی - رضی الله عنهم.^{۲۷}

اولین شخص از فرزندان امام علی(ع) که وارد مصر شد سکینه دختر امام حسین(ع) بود.

ابن زیات می‌نویسد:

لم أر أحداً من أرباب التاريخ صحح مشهداً بغير القرافة من مشاهد أولاد علي بن أبي طالب - رضي الله عنه - إلا المشهد النفيسي لأنها أقامت به في أيام حياتها و حفرت قبرها بيدها - رضي الله عنها.^{۲۸}

مورخی را ندیدم که مزار اولاد امام علی(ع) در غیر قرافه را صحیح بدانند، مگر مزار سیده نفیسه. او مدتی در آنجا زندگی کرد و به دست خویش قبری برای خود حفر کرد.

ز) تشابه زیاد میان برخی روایات اخبار الزینبات و طبقات کبری

برخی روایات اخبار الزینبات همانند روایات طبقات کبری است؛ اما جای تعجب است با اینکه همه افراد در زنجیره برخی اسناد متفاوتند، در عین حال متن خبرها با اینکه نقل سخن شخص خاصی نیست، مثل یکدیگرند. فرض کنیم در خیابان اتفاقی رخ داده و از دو شاهد بخواهیم مشاهداتشان را در چند سطر بنویسند. عادتاً محال است عبارات آنها کلمه به کلمه همانند باشد.

همه زینبیهایی که در جلد هشتم طبقات ابن سعد، معرفی شده‌اند به همان ترتیب در اخبار الزینبات هم آمده‌اند و بعضی روایات طبقات هم با اندک تصرف و ویرایشی و با اختلاف در سند ذکر شده‌اند. البته، سه نفر در طبقات آمده، اما در اخبار الزینبات نیست: زینب بنت ابی معاویه و زینب بنت سهل و زینب بنت قیس. همچنین آنچه در معرفی زینب کبرا آمده با طبقات تفاوت دارد. در اخبار الزینبات زینبیهای دیگری هم معرفی شده‌اند که در طبقات نیامده است.

زینبیهایی که در هر دو کتاب معرفی شده‌اند و اندک اختلاف و ویرایشی در متن روایات دیده می‌شود عبارت‌اند از:

زینب بنت النبی(ص)؛ زینب بنت جحش؛ زینب بنت خزیمه؛ زینب بنت عثمان؛ زینب بنت صیفی؛ زینب بنت حباب؛ زینب بنت ابی سلمه؛ زینب بنت مهاجر؛ زینب بنت نبیط؛ زینب بنت کعب؛ زینب همسر قیس و زینب بنت حارث.

به عنوان نمونه معرفی اولین زینب یعنی دختر پیامبر(ص) در هر دو کتاب را با هم مقایسه می‌کنیم و ملاحظه خواهید کرد که در تعداد روایات و ترتیب و محتوا همسانند.

در طبقات کبری، جلد ۸، صفحه ۳۱-۳۶ می‌خوانیم:

۱. أخبرنا عبدالوهاب بن عطاء العجلی عن داود بن ابی هند عن عامر الشعبي أن زینب

بنت رسول الله صلى الله عليه وسلم كانت تحت ابی العاص بن الربیع فأسلمت وهاجرت مع أبيها وأبي ابوالعاص أن يسلم.

۲. أخبرنا محمد بن عمر حدثني المنذر بن سعد مولي لبني أسد بن عبدالعزيز عن

عیسی بن معمر عن عباد بن عبدالله بن الزبیر عن عائشة أن أبا العاص بن الربیع كان فیمین شهد بدرا مع المشركين فأسره عبدالله بن جبیر بن النعمان الانصاری فلما بعث أهل مكة في

فداء أساراهم قدم فی فداء ابی العاص أخوه عمرو بن الربیع وبعثت معه زینب بنت رسول الله وهی یومئذ بمكة بقلادة لها كانت لخديجة بنت خويلد من جزع ظفار و ظفار جبل باليمن وكانت خديجة بنت خويلد أدخلتها بتلك القلادة على ابی العاص ابی الربیع حين بنى بها فبعثت بها فی فداء زوجها ابی العاص فلما رأى رسول الله صلى الله عليه وسلم القلادة عرفها ورق لها وذكر خديجة وترحم عليها وقال إن رأيتم أن تطلقوا لها أسيرها وتردوا إليها متاعها فاعلمتم قالوا نعم يا رسول الله فأطلقوا أبأ العاص بن الربیع وردوا على زینب قلادتها وأخذ النبی صلى الله عليه وسلم على ابی العاص أن یخلى سبيلها إليه فوعده ذلك ففعل.

۳. أخبرنا محمد بن عمر حدثنی یحیی بن عبدالله بن ابی قتادة عن عبدالله بن ابی بكر بن محمد بن عمرو بن حزم قال توفیت زینب بنت رسول الله صلى الله عليه وسلم فی أول سنة ثمان من الهجرة.

۴. أخبرنا محمد بن عمر حدثنی معاریة بن عبدالله بن عبيدالله بن ابی رافع عن أبيه عن جده قال كانت أم أيمن ممن غسل زینب بنت رسول الله صلى الله عليه وسلم وسودة بنت زمعة وأم سلمة زوج النبی صلى الله عليه وسلم.

۵. أخبرنا وكيع بن الجراح عن سفيان عن هشام عن حفصة بنت سيرين عن أم عطية قالت لما غسلنا بنت النبی صلى الله عليه وسلم ضفرنا شعرها ثلاثة قرون ناصيتها وقرنيها وأقيناها خلفها. در اخبار الزینبات، صفحه ۹۹-۱۰۲ نیز آمده است:

۱. حدثنا أبو عبدالله التميمی قال: نا نعيم عن جمال عن يحيى التمار عن سفيان الثوري عن ابی عبدالحق بن عاصم عن زراره عن علی عليه السلام، و حدثنی ابی عن أبيه عن جده الحسين بن علی عن علی بن الحسين عن علی عليه السلام (قالا):

إن زینب بنت رسول الله - صلى الله عليه وسلم - كانت تحت ابی العاص بن الربیع فأسلمت وهاجرت مع أبيه.

گردآورنده اخبار الزینبات جمله «و ابی ابوالعاص أن یسلم» را از پایان انداخته است. شاید به این دلیل چنین کرده که ندانسته کلمه «أبی» صیغه مفرد مذکر غایب از فعل ماضی است و معنا چنین است: ابوالعاص از اسلام آوردن ایا کرد.

۲. و بالسند إلى عامر الشعبي عن عائشة (ض) أن أبأ العاص كان فيمن شهد بدرأ مع المشركين فأسره عبدالله بن جبیر بن النعمان الانصارى فلما بعث أهل مكة فی فداء أساراهم قدم فی فداء ابی العاص أخوه عمرو بن الربیع و بعثت معه زینب بنت رسول الله - صلى الله عليه وآله - وهی یومئذ بمكة بقلادة لها كانت لخديجة بنت خويلد من جزع ظفار اسم لجبل باليمن وكانت خديجة بنت خويلد أدخلتها بتلك القلادة على ابی العاص حين بنى بها فبعثت بها فی فداء زوجها فلما رأى رسول الله صلى الله عليه وآله القلادة عرفها و رق لها وذكر

خدیجة و ترحم علیها وقال: إن رأیتم أن تطلقوا لها أسیرها وتردوا إليها متاعها فعملتم. قالوا: نعم یا رسول الله فأطلقوا أبا العاص بن الربیع و ردوا علی زینب قلاذتها و أخذ النبی (ص) علی ابی العاص أن یخلی سبیلها إليه فوعده ذلك ففعل.

۳. حدثنی موسی بن عبدالله قال: حدثنی محمد بن مسعده عن أبیه عن جده عن عمرو بن حزم قال: توفیت زینب بنت رسول الله - صلی الله علیه وآله - فی أول سنة ثمان من الهجرة. ۴. وبالسنند إلى عبدالله بن رافع عن أبیه عن جده قال: كانت أم ایمن ممن غسل زینب بنت رسول الله صلی الله علیه و آله.

۵. وبالاسناد إلى أم عطیة قالت: لما غسلنا زینب بنت النبی - صلی الله علیه وآله - صفرنا شعرها ثلاثة قرون ناصيتها وقرنیها وألقینا خلفها. پس از آخرین روایت، در *اخبار الزینبات* آمده است: «وألقي إلینا رسول الله - صلی الله علیه وآله - حقوه أو قالت: حقوا و قال: أشعرنها هذا.» این مضمون در همان جلد طبقات، صفحه‌های ۳۴ و ۳۵ آمده است. به هر حال ظاهراً جاعل *اخبار الزینبات* بخشی از روایات را از کتاب *طبقات کبری* رونویسی کرده و با تغییر در سند، به نام عبیدلی نوشته است.

ح) یافت شدن مطالبی مغایر با آنچه در کتاب دیگر عبیدلی آمده

در *اخبار الزینبات*، صفحه ۱۲۳ روایتی از موسی بن عبدالله بن محمد بن عمر بن علی بن ابی طالب نقل شده است. عبیدلی در کتاب معقبین، صفحه ۱۰۲ نام پسران عبدالله بن محمد بن عمر را تنها یحیی و عیسی و محمد و احمد ذکر می‌کند. همین اسامی در *عملة الطالب*، صفحه ۲۶۵ نیز آمده است و شخصی به نام موسی در میان آنها نیست. ناگفته نماند که هر دو کتاب، نسل عبدالله را از این چهار نفر نوشته‌اند؛ اما به نظر می‌رسد اگر او فرزندی به این نام داشت مخصوصاً به سنی رسیده باشد که روایت کند، نسابه‌ها نام او را ذکر می‌کردند و توضیح می‌دادند که او فرزنددار نشد یا همه فرزندان او دختر بوده‌اند. در *اخبار الزینبات*، صفحه ۱۱۱ درباره زینب کبرا (س) می‌خوانیم:

خرجت إلى عبدالله بن جعفر فولدت له أولاداً ذکرناهم فی کتاب النسب.

او با عبدالله بن جعفر ازدواج کرد و از او چند فرزند به دنیا آورد که نام آنها را در کتاب نسب ذکر کردیم.

اما در کتاب معقبین، تنها یکی از پسران زینب کبرا به نام علی ذکر شده است.

ط) ابهام در چگونگی یافت شدن نسخه

حسن محمد قاسم مصری نویسنده‌ای خبره است که کتابهای متعدد را نگاشت که عنوان برخی از آنها گذشت و نیز عهده‌دار مسئولیت مجله «هدی الاسلام» بود. جای تعجب است چنین شخصی کتابی با این اهمیت و حساسیت که مزار زینب کبرا را بر خلاف بسیاری از دیدگاهها در مصر تعیین کرده، پس از ده قرن بیابد، اما بدون اینکه نام یابنده را ببرد و بدون توضیحات مهم دیگر که در چنین مواقعی به آنها توجه می‌شود، می‌نویسد:

... و بعد فترة قصيرة من الزمن أرسل إلى صاحبي هذا رسالة عثر عليها في حلب عند بعض أصدقاء له هناك عنوانها «**اخبار الزینبات للعبیدلی**».

دوستم رساله‌ای با عنوان «**اخبار الزینبات للعبیدلی**» در حلب نزد بعضی دوستانش یافت و بعد از زمان کوتاهی برایم فرستاد.

در اینجا مناسب است اشتباهی که در کتاب **اهل‌البیت فی مصر**، صورت گرفته توضیح داده شود. در این کتاب از صفحه ۳۲۱ به بعد، رساله **اخبار الزینبات**، چاپ شده و مأخذ آن نسخه‌ای است که با مقدمه آیت‌الله مرعشی نجفی چاپ شده است. نویسنده کتاب **اهل‌البیت فی مصر**، تصور کرده که آیت‌الله مرعشی یابنده نسخه است. وی می‌نویسد:

وقد قام آية الله العظمى السيد شهاب الدين الحسيني المرعشي النجفي... بتحقيق هذه الرسالة المخطوطة بعد ما فُتِّش عنها لمدة طويلة وأخرجها الى النور مع مقدمة مفصلة في تاريخ حياة المؤلف وأثاره بعد ان كانت طوال قرون متمادية محجوبة عن الابصار مع الحاجة الماسة اليها لحسم الخلاف في مسألة مكان مرقد السيدة زينب، عليها السلام.

آیت‌الله مرعشی نجفی پس از جست‌وجوی طولانی، به این نسخه خطی دست یافت و اقدام به تحقیق آن نمود و با مقدمه مفصل در تاریخ حیات نویسنده و آثار او، پس از چند قرن که از دیده‌ها پنهان بود و نیاز شدیدی به آن بود جهت پایان دادن به اختلاف در مدفن حضرت زینب(ع) - چاپ کرد.

این در حالی است که آیت‌الله مرعشی چنین ادعایی نکرده و ایشان توضیح داده که حسن محمد قاسم مصری این رساله را به دست آورد. در مقدمه **اخبار الزینبات** از زبان حسن محمد قاسم آمده که چگونه با تلاشهای زیاد به این نسخه دست یافت؛ اما نویسنده کتاب **اهل‌البیت فی مصر** تصور کرده که این سخنان از زبان آیت‌الله مرعشی است و ظاهراً از زبان او نقل کرده است.

نتیجه

با توجه به آنچه گذشت، به نظر می‌رسد که نمی‌توان به صحت انتساب این کتاب به عبیدلی اعتماد کرد. تکرار می‌کنیم بعضی شواهد مذکور، به تنهایی نمی‌توانند دلیلی برای جعلی بودن، به شمار آیند، بلکه تنها مؤیدند.

در خور توجه است که ما نمی‌توانیم کسی را به عنوان بناعل معرفی کنیم. چه بسا شخص دیگری آن را ساخته و در اختیار حسن محمد قاسم مصری گذارده و او هم در کتاب **سیده زینب**، چاپ کرده است. نمی‌توان احتمال داد نویسنده این کتاب شخص دیگری غیر از نسابة معروف یحیی بن حسن عبیدلی باشد؛ زیرا با مراجعه به **اخبار الزینبات**، صفحه‌های ۹۶، ۹۹، ۱۱۱ و ۱۲۶ نامهای پسر، پدر، اجداد و عموی عبیدلی به دست می‌آید و نیز در صفحه ۱۱۱ به کتاب دیگر عبیدلی در نسب اشاره شده است.

بی‌نوشتها

۱. بعید نیست حکومتها نیز برای جلب توریست چنین اقداماتی می‌کردند و حتی بدین منظور نویسندگانی را اجیر می‌کرده‌اند.
۲. ر.ک: حضرت زینب کبری(ع)، ص ۱۶۲.
۳. ر.ک: مرقد العقیله زینب، ص ۱۰۸ و ۱۵۱. ابن عساکر پس از معرفی ام‌کلثوم مدفون در دمشق، تصریح می‌کند که او فرزند امام علی(ع) و حضرت فاطمه(س) نیست. عبارت ابن عساکر چنین است: «مسجد راویة مستجد علی [قبر] ام‌کلثوم. و ام‌کلثوم هذه لیست بنت رسول‌الله(ص) التی کانت عند عثمان؛ لأن تلک ماتت فی حیاة النبی(ص) و دفنت بالمدينة و لا هی ام‌کلثوم بنت علی من فاطمة التی تزوجها عمر بن الخطاب(رض) لأنها ماتت هی و ابنها زید بن عمر بالمدينة فی یوم واحد و دفنا بالقیع. و إنما هی امرأة من اهل‌البيت سمیت بهذا الاسم و لا یحفظ نسبها؛ مسجد راویه بر قبر ام‌کلثوم است. این ام‌کلثوم دختر رسول‌خدا(ص) و همسر عثمان نیست؛ زیرا او در زمان حیات پیامبر(ص) از دنیا رفت و در مدینه دفن شد. همچنین او ام‌کلثوم دختر امام علی(ع) و حضرت فاطمه(س) و همسر عمر بن خطاب نیست؛ زیرا او و پسرش زید بن عمر در یک روز در مدینه از دنیا رفتند و در بقیع دفن شدند؛ بلکه او زنی از اهل‌بیت(ع) به نام ام‌کلثوم است که نسبش محفوظ نیست» (تاریخ مدینه دمشق، ج ۲، ص ۳۰۹).
۴. نگارنده مقاله مبسوطی درباره مزار حضرت زینب(س) نگاشت که در مجله پیام زن، ش ۱۵۳، آذر ۱۳۸۳ به چاپ رسید. در آن تحقیق نشان دادیم که هیچ‌یک از سه مزار منسوب به آن حضرت در مصر و دمشق و مدینه مدرک قابل قبول ندارند. پس از نشر آن مقاله، مدینه را ترجیح دادم هرچند دلیل قاطعی در این زمینه وجود ندارد. دلیل این ترجیح آن است که شخصیتی مانند زینب کبری(س) وقتی از مدینه خارج می‌شود نفس مهاجرت او و نیز ورودش به سرزمین دیگر، ایجاد سروصدا می‌کند به گونه‌ای که ثبت در تاریخ را به دنبال دارد. بعید نیست دفن او در مدینه سبب شده که تحت‌الشعاع شخصیت‌های بزرگ دیگر قرار گیرد و مزار او مخفی شده باشد. نکته دیگر اینکه مزار امامزادگان از جمله اماکنی است که ائمه اطهار(ع) به عنوان شمامش شیعه به آنها می‌نگریستند و مردم را به زیارت آنها تشویق می‌کردند؛ مانند مزار حضرت معصومه(س) و حضرت عبدالعظیم(ع). اگر این امامزادگان در بقیع دفن شده بودند، بعید است زیارت آنها این همه مورد تأکید قرار می‌گرفت. بعید نیست علت نرسیدن خبری در مورد زیارت حضرت زینب(س) این بوده که وی در بقیع دفن شده است و اگر در جای دیگر بود، به شیعیان سفارش می‌کردند که به زیارت او بروند تا به صورت پایگاهی جهت تقویت تشیع در آید.
- در مورد مزار واقع در دمشق قابل ذکر است بنا به تحقیقی که انجام شد منابع پیشین تا اواسط قرن هشتم نام صاحب این قبر، ام‌کلثوم ضبط کرده‌اند و پس از آن به زینب کبرا منسوب شد. (ر.ک: مجله پیام زن، ش ۱۵۳، ص ۶۹-۷۱) در تحقیق دیگری که صورت پذیرفت، معلوم شد امام علی(ع) دو دختر به نام ام‌کلثوم داشته است. آنکه مادرش حضرت زهرا(س) بود در زمان حیات امام حسن(ع) از دنیا رفت و در قبرستان بقیع مدفون شد. ام‌کلثوم دیگر که مادرش کنیز بود، در حادثه کربلا حضور داشت و اینکه برخی ام‌کلثوم را کنیه حضرت زینب می‌دانند اشتباه است. (ر.ک: مجله پیام زن، ش ۱۶۷، ص ۱۸-۲۳) به نظر می‌رسد انتساب مزار معروف در دمشق به ام‌کلثوم حاضر در کربلا ترجیح دارد؛ زیرا همواره در منابع گذشته از صاحب مزار به صورت ام‌کلثوم یاد می‌شده است و دیگر اینکه در کامل‌بهای، که تألیف آن در سال ۶۷۵ق به پایان رسیده است، می‌خوانیم: «روایت آمد که ام‌کلثوم خواهر امام حسین(ع) در دمشق متوفی شد.» عبارت قبل و بعد کامل‌بهای، نشان می‌دهد مراد آن است که وقتی او با کاروان اسرا به شام رسید در آنجا وفات یافت و می‌دانیم حضرت زینب به مدینه رسید و در بین راه از دنیا نرفت. بنا به باور ابن عساکر، مزار ام‌کلثوم در دمشق، دختر امام علی(ع) از حضرت زهرا(س) نیست؛ زیرا او در مدینه درگذشت و در بقیع دفن شد و تنها معلوم است که شخص مدفون در دمشق زنی از اهل‌بیت است، اما نسب او معلوم نیست. گویا ابن عساکر توجه نداشته که امام علی(ع) از همسر دیگرش نیز دختری به نام ام‌کلثوم داشته است.
۵. از جمله کسانی که به استاد/اخیارالزینیات، مزار حضرت زینب را در مصر ترجیح داده‌اند، عبارت‌اند از: آیت‌الله العظمی مرعشی‌نجفی در مقدمه/اخیارالزینیات و آیت‌الله سید محمدعلی قاضی طباطبایی در کتاب تحقیق درباره اول اربعین حضرت سیدالشهدا(ع)، ص ۵۴-۵۵ و شیخ جعفر نقدی در کتاب حضرت زینب کبری(ع)، ص ۱۵۹-۱۶۶.
۶. ظاهراً «علی بن حسین» از میان اجداد زینب بنت احمد افتاده است.

۷. برخی از کتابهای حسن محمد قاسم مصری عبارت‌اند از: السیده زینب، اعلام السائلین، السیده سکینه بنت الامام الشهید بحر الانساب، المزارات المصریه، تاریخ السید البدوی، تاریخ الصیام فی الاسلام، طبقات الصوفیه فی الاسلام، ذیل طبقات ابی‌زیاد الاغریسی، نیل السماعات، اکتشاف العرب لامریکا، تراجم النساء الطیبات و المرضیات فی الاسلام، مصرع الحسین، تاریخ الجامعه الازهریه و الجامعات الاسلامیه فی بلاد المغرب، الاجازات، کتاب فی نسب الاشراف الطواهریه، کتاب فی تزییل عمده الطالب، کتاب فی انساب الاشراف الوفائیة.

شرح حال این افراد: شیخ محمد شبلی، شیخ فتح‌الله بنانی مصری، حافظ کتانی و نسب او، سید محمد عقاد المصری، سید عبدالقادر کوهن حسنی مغربی فاسی. انتشار مجله هدی الاسلام. (ر.ک: مقدمه اخبار الزینبات، ص ۶۴-۷۲)

۸. ر.ک: مقدمه اخبار الزینبات، ص ۸۹-۹۲.

۹. ر.ک: الذریعه، ج ۱، ص ۳۳۲.

۱۰. متن کامل این رساله در انتهای کتاب اهل‌البيت فی مصر، تألیف سید هادی خسروشاهی که در سال ۱۴۲۵ق به چاپ رسیده، درج شده است. این متن برگرفته از نسخه مرعشی است. همچنین بناسبت این رساله با تحقیق آقای فارس حسون کریم در مجموعه میراث حدیث شیمه، ش ۱۵ به چاپ برسد. وی این رساله را از کتاب سینه نفیسه گرفته است.

۱۱. ظاهراً مراد کتاب المعقبین من ولد الامام امیرالمؤمنین، است که توسط محمد الکاظم تحقیق و از سوی کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی چاپ شده است.

۱۲. ر.ک: فهرست، شیخ طوسی، ص ۵۰۵-۵۰۶؛ المجدی، ص ۲۰۳؛ رجال، نجاشی، ص ۴۴۱-۴۴۲؛ الفخری، ص ۵۸؛ الاصلی، ص ۳۴؛ نقد الرجال، ج ۵، ص ۶۵-۶۶؛ تهذیب الانساب، ص ۲۳۱؛ منتهی المقال، ج ۷، ص ۱۵-۱۷؛ قاموس الرجال، ج ۱۱، ص ۳۶-۳۷؛ معجم رجال الحدیث، ج ۲۱، ص ۴۷.

۱۳. گاهی از او به صورت «محمد بن سعید» نام می‌برند.

۱۴. اخبار الزینبات، ص ۱۲۰-۱۲۲.

۱۵. سوره یس، آیه ۵۲.

۱۶. ر.ک: الفارات، ج ۱، ص ۲۶۴.

۱۷. ر.ک: تهذیب الکمال، ج ۲۷، ص ۵۷۴ و النجوم الزاهرة، ج ۱، ص ۱۳۳.

۱۸. ر.ک: الفارات، ج ۱، ص ۲۷۴-۲۷۵ و النجوم الزاهرة، ج ۱، ص ۱۰۸.

۱۹. ر.ک: النجوم الزاهرة، ج ۱، ص ۱۳۳.

۲۰. النجوم الزاهرة، ج ۱، ص ۱۲۲-۱۵۷.

۲۱. ر.ک: طبقات کبری، ج ۳، ص ۲۶۵.

۲۲. ر.ک: طبقات کبری، ج ۵، ص ۱۷۰-۱۷۱.

۲۳. ر.ک: حسن المحاضره، ص ۸۱.

۲۴. تحفه الاحیاب و بنیة الطلاب، قاهره، ص ۹۴.

۲۵. الخطط التوفیقیة الجدیدة، ج ۵، ص ۲۹.

۲۶. الخطط المقریزیه، ج ۲، ص ۱۹۳ و الانتصار، ج ۴، ص ۶۵، چاپ بولاق به نقل پژوهشی پیرامون بارگاه حضرت زینب، ص ۵۰.

۲۷. الكواکب السیارة، ص ۳۰.

۲۸. همان، ص ۳۰.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی